

۱۶۳۶۸۸۶

پترزبورگ

رمان

آندری بلی

ترجمه‌ی

نازلی ادیغرازاده

www.ketab.ir



انتشارات فروزید

سرشناسه:	بلی، آندری، ۱۸۸۰-۱۹۳۴ م.
عنوان و نام پدیدآور:	Bely, Andrey پترزبورگ: رمان / آندری بلی (نام اصلی باریس نیکلایوچ بوگایف): ترجمه‌ی نازلی اصغرزاده
مشخصات نشر:	تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری:	۶۱۱ ص.
شابک:	978-964-191-609-3
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیبا
یادداشت:	Перепбур اصل‌ی
موضوع:	داستان‌های روسی - قرن ۲۰ م.
موضوع:	Russian fiction - 20 th century
مناسه افزوده:	اصغرزاده، نازلی، ۱۳۲۱ - مترجم
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۷ پ ۲ / ۳ / PIR۳۳۹۶
رده‌بندی دیویی:	۸۹۱/۷۳۴۲
شماره کتابشناسی ملی:	۵۳۸۱۱۱۴



انتشارات مروارید

تهران، خیابان انقلاب، روبه‌رو، دانشگاه تهران، پلاک ۱۱۸۸ / ص. پ. ۱۶۵۴ - ۱۳۱۴۵
 دفتر: ۶۶۴۰۰۸۶۶ - ۶۶۳۱۴۰۴۶ - ۶۴۱۲ - ۶۴۱۲ / فاکس: ۶۶۴۸۴۰۲۷ / فروشگاه: ۶۶۴۶۷۸۴۸
<https://instagram.com/morvaridpub> - <https://telegram.me/morvaridpub>
www.morvarid.ir

پترزبورگ

آندری بلی

(نام اصلی: باریس نیکلایوچ بوگایف)

ترجمه‌ی نازلی اصغرزاده

تولید فنی: ناز ایلی

صفحه‌آرایی: تینا حسامی

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۸

چاپخانه: کارنگ

تیراژ: ۵۵۰

شابک ۹۷۱-۹۶۴-۱۹۱-۶۰۹-۳ ISBN 978-964-191-609-3

۹۸۰۰۰ تومان

فهرست

۱۱	یادداشت مرجع
۱۵	پیشگفتار
۱۹	مقدمه
۲۱	فصل اول
۲۱	حکایت مقام بلندمرتبه، باری‌های اکثری و هستی ناپیدارش
۲۱	آپالون آپالونیچ آبلنوخوف
۲۳	او در رأس سازمان بود
۲۵	شمال - شرق
۲۷	بارون، بارانا
۳۲	پرواز کالسکه در فضای مه‌آلود
۳۴	مربع، متوازی‌السطوح، مکعب
۳۸	ساکنان جزایر حیرت آدمی را برمی‌انگیزند
۴۱	وقتی او را دید، چشمانش گشاد شد، برق زد
۴۵	دو دانشجو با لباس محقر
۴۷	و ناگهان!
۵۱	میز تحریر آنجا بود
۵۳	غریبه را دیده بود
۵۵	خواص غریب
۵۷	نقش ما
۶۱	و صورتش درخشید
۶۶	حکایت لباس بالماسکه چه بود؟

۷۰	پاییز خیس
۷۵	آپالون آپالونویچ یادش آمد
۷۸	انگشتان سرد
۸۰	همیشه چنین بوده
۸۵	هرگز فراموشش نمی‌کنی

فصل دوم ۸۷

۸۷	آخرین خبرها
۹۰	سوفیا پترونا لیخوتینا
۹۲	مهمانان سوفیا پترونا
۹۵	ستوان سرگی سرگوییچ لیخوتین
۹۸	شاهد خوش‌قیافه‌ی مراسم ازدواج
۱۰۱	سک مخره
۱۰۵	رذالت و رذالت
۱۰۷	جوریت و در
۱۱۳	به‌های خیابانی
۱۱۷	دلویق بزم صمیم می‌کند
۱۲۰	گفت‌وگوها همه داشت
۱۲۲	دیوارها برفند، ند دیوار
۱۳۳	مأمور ویژه
۱۴۴	به خیابان‌ها آمدند
۱۴۸	فرار
۱۵۲	ستپکا

فصل سوم ۱۵۷

۱۵۷	نیکلای آپالونویچ در بند توطئه‌ی خویش
۱۵۷	مراسم رژه
۱۶۰	در میتینگ
۱۶۱	شریف، خوش‌قیافه، رنگ‌باخته!
۱۷۳	کنت‌کنکت!
۱۸۳	میتینگ
۱۸۷	تا تام: تام، تام!
۱۸۹	سایه‌ها
۱۹۱	روزه‌ی سگ‌ها
۲۰۲	دومین فضای سناتور

فصل چهارم ۲۰۹

- ۲۰۹ رشته‌ی روایت گسسته می‌شود
- ۲۰۹ باغ تابستانی
- ۲۱۴ مادام فارنوا
- ۲۱۷ پترزبورگ در دل شب می‌خزید
- ۲۲۱ طنین تق‌تق کفش‌ها
- ۲۲۴ همه‌ی زندگی‌اش رقص بود
- ۲۲۶ مهمانی رقص
- ۲۳۱ گویبی کسی شکوه می‌کرد
- ۲۳۴ فیافه‌ی عبوس
- ۲۳۸ مادام بمپادور
- ۲۴۰ فلاکت
- ۲۴۱ پالون ال‌ویچ
- ۲۴۵ حنجان
- ۲۴۸ و اما
- ۲۵۴ دومینوز سب
- ۲۵۷ همه‌چیز را از یاد برده
- ۲۶۰ تشویش
- ۲۶۷ نامه
- ۲۷۴ همراه
- ۲۸۰ نادان
- ۲۸۷ بعدش چه شد؟
- ۲۹۲ شهروند ساده

فصل پنجم ۲۹۷

- ۲۹۷ مردی با زگیل زیردماغی و ساردین مهلک
- ۲۹۷ مرد ناشناس
- ۳۰۱ گیلاسی ودکا
- من نابود می‌کنم
- ۳۱۷ گریفین‌ها
- ۳۲۱ سرخ آتشین
- ۳۲۷ بدشگون
- ۳۳۱ کنار میز کوچک
- ۳۳۵ خرده مدادها
- ۳۴۰ پپه، پپس، پپ
- ۳۴۵ روز محشر

فصل ششم ۳۵۵

حکایت روز گرفته ۳۵۵

باز رشته‌ی حیاتش احساس شد ۳۵۵

پله‌ها ۳۵۹

آزاد که شد، گریخت ۳۶۱

خیابان ۳۶۳

دست یاری ۳۷۱

بولوار نوسکی ۳۷۶

دیانیسوس ۳۷۸

توهم ۳۸۴

کاریاتید ۳۹۰

برو کنار، تو! ۳۹۳

استخوان پیشانی ۳۹۹

بدانت ۴۰۵

ر مجسم و آزرده ۴۲۰

ما به ما ازوا ۴۲۲

تاب نه ضعیف پنجره ۴۲۶

پترزبورگ ۴۳۲

زیرشیروانی ۴۴۰

حکایت چه بود ۴۴۴

مهمان ۴۴۸

قیچی ۴۵۱

فصل هفتم ۴۵۷

حکایت روز خاکستری ۴۵۷

بیکرانی ۴۵۷

درناها ۴۶۴

من، به راه خود می‌روم... کاری به کسی ندارم ۴۶۶

گفت‌وگو ادامه داشت ۴۷۳

نقشه ۴۸۰

سازمان ۴۸۷

از پیچاندن باز مانده ۴۹۰

قرص ضد نفخ ۴۹۳

می‌دانم چه می‌کنم ۵۰۲

شاید عقل گم کنی ۵۰۶

انزجار ۵۱۵

۵۲۲	ظلمت مطلق
۵۲۷	شهروند ساده
۵۳۲	ایهام
۵۴۸	ورق یاز
۵۵۳	اندیشه‌های ناگفتنی
۵۵۶	آخرین آواز قو
۵۶۰	چشم‌انداز
۵۶۱	سوسک‌ها

۵۶۵	فصل هشتم
۵۶۵	و اما اولش
۵۷۲	کنا، کوهی از خرت و پرت‌ها
۵۷۷	خدمت‌های مبهوت مانده بودند
۵۸۵	آشنایی فکری محض
۵۸۷	مادر
۵۹۱	نوای ریلاد آئین اندام می‌شد
۵۹۲	هندوانه - سبزه
۵۹۹	ساعت مچی
۶۰۷	سخن پایانی

پیشگفتار

رمان "پترزبورگ"، آندری بلی، از اسطوره‌ی دو بیست‌ساله‌ی شهر پترزبورگ، زمان ساخته شدن این شهر به فرمان پتر کبیر^۱ الهام گرفته است. "پترزبورگ" آندری بلی، در نمود بسیار تند و رویاروی منظومه‌ی "سوارکار مفرغی"، اثر

۱. ساخته شدن شهر پترزبورگ، مهیج‌ترین واقعه در تاریخ مدرنیاسیون بوده است که در سال ۱۷۰۳، به فرمان پتر اول، در تالاب‌ها و به شیوه‌ی جبارانه، بنا شد و اجرا شد. از دید او این شهر می‌بایست ترکیبی می‌شد از پایگاه دریایی (پتر به‌عنوان کارآموز در درخانات کشتی‌سازی هلند کار کرده بود و نخستین دستاورد او در مقام تزار، تبدیل روسیه به یک قدرت بحری بود) و مرکز تجاری و نیز پنجره‌ای می‌شد به سوی اروپا: هم به مفهوم فیزیکی کلمه و هم به مفهوم فکری. پتر، بیش از هر چیز اصرار داشت که پایتخت روسیه را اینجا در این شهر جدید و با پنجره‌ی تازه، به سوی اروپا مستقر سازد، و از شر مسکوی به‌درنجور یا همه‌ی آن سنت‌های قدیمی و جو مذهبی‌اش خلاص شود. و بدین‌سان برنامه‌ریزی طراحی و سازماندهی ساخت شهر پترزبورگ، به دست معماران و مهندسان انگلیسی، فرانسوی، هلندی و ایتالیایی انجام گرفت. ظرف یک دهه، سی و پنج هزار باب ساخت در میان تالاب‌ها قد بر افراشت و پس از گذشت دو دهه جمعیت شهر به صد هزار نفر رسید. پتر دستور داد که همه‌ی بنایان و سنگ‌تراشان از سراسر امپراتوری روسیه به محل شهر جدید نقل مکان کنند. و به بخش بزرگی از اشراف فرمان داد تا نه فقط به پایتخت جدید نقل مکان کنند، بلکه آنجا کاخ‌هایی برود که در غیر این‌صورت القاب و عناوین‌شان سلب می‌شد. نکته‌ی دیگر این بود که در جامعه‌ای مبتنی بر رعیت‌ها که اکثریت مردم در آن، عملاً یا از رعیت‌های اشراف زمین‌دار بودند و یا خود دولت، پتر از تسلط کامل بر نیروی کار عملاً بی‌پایانی برخوردار بود، او این بندگان را واداشت تا برای خشک کردن باتلاقی‌ها، بستن سدها و زیرسازی بناها، یک‌نفس کار کنند. تلفات انسانی بی‌حدوحصر بود و طی سه سال شهر جدید سیاهی متشکل از صد و پنجاه هزار کارگر را فروبلعید. پتر اول از لحاظ عزم و قدرت‌ش برای نابودی اتباع خود، بیشتر شبیه به جباران شرقی اعصار کهن (برای مثال فرعون و اهرام‌شان) بود، تا پادشاهان هم‌عصر خود در غرب. (برگرفته از کتاب تجربه‌ی مدرنیته، به قلم مارشال برمن).

پوشکین، ظاهر می‌شود و هم‌زمان، آرمان آن را پی می‌گیرد. این که پلی شاعر، در قالب یک اثر منشور به پوشکین پاسخ می‌دهد، بی‌علت نیست. پلی، تروریسم دولتی و تروریسم انفرادی را از اعتبار ساقط می‌کند و از همه‌ی نشانه‌های رمانتیسیم منفک می‌سازد. تاریخ مقدر داشته که یادواره‌ی پترکبیر - سوارکار مفرغی و مجلس سنا، در میدان سنا^۱ محشور شوند که تراژدی قیام دسامبر در آن روی می‌دهد. شخصیت‌های "پترزبورگ"، هریک با هدف خاصی میدان سنا، از کنار یادواره‌ی "پتر کبیر" عبور می‌کنند. سوارکار مفرغی دقیقاً هابا عمارت سنا همان عمارتی قد علم می‌کند که آبلتوخوف، سناتور پیر، شخصیت سرد و خبیث، مردی عاری از کمترین قریحه و حتی عقل و درایت لازم، در مقام ماب منصب دولتی در آن قدرت‌نمایی می‌کند. آبلتوخوف یکی از مهره‌های برجسته دونه‌ی دستگاه عظیم و پیوسته فعال نظام حکومتی و در حقیقت همان تروریست شده است. در رمان "پترزبورگ"، "دودکین" تروریست و "نیکلای"، فرزند سناتور آبلتوخوف، نقش "یوگنی"، قهرمان منظومه‌ی "سوارکار مفرغی"، اثر پوشکین، را برآمده دارند. انتخاب فرزند برای ایفای این نقش بی‌علت نیست. تروریسم در آن مولد تروریسم انفرادی است. وقتی "یوگنی"، قهرمان منظومه‌ی "سوارکار مفرغی"، خط "پتر" را تهدید می‌کند، نیکلای گامی فراتر برمی‌دارد و در ضدیت با پدرش، حتی از توسل به بمب ابایی ندارد که داخل قوطی ساردین جاسازی شده است.

در رمان "پترزبورگ"، سوارکار مفرغی به‌جای تعقیب "یوگنی" در میدان خلوت، در هیئت مخوف و البته کمیک، از پله‌ها می‌سرف به اتاق محقر زیرشیروانی "دودکین" تروریست بالا می‌رود که بی‌شیراتان زیرشیروانی "راسکولنیکوف"، قهرمان رمان "جنایت و مکافات"، اثر "داستان سنا" را تداعی می‌کند.

وقتی "یوگنی" در اوج درماندگی و در دفاع از ابتدایی‌ترین حقوق خود، پتر را تهدید می‌کند و "راسکولنیکوف" پیرزن رباخوار را در دفاع از حقوق مستمندان به قتل می‌رساند، "دودکین" پلی، با همان درماندگی و نومیدی، می‌کوشد در مقام نماینده و مدافع اراده‌ی پرلتاریا ابراز وجود کند.

اهمیت و شهرت عالم‌گیر رمان آندری بلی، در سبک بی‌سابقه و منحصر‌به‌فرد او در محکوم کردن تروریسم خلاصه می‌شود. البته بلی نه از پرلترالیسم درک روشنی دارد و نه انقلاب سال ۱۹۰۵ و همه‌ی هم‌وغم او، برای کنار زدن نقاب "جوانمردی" و "رمانتیسیم" از چهره‌ی هر نوع تروریسم است که شایسته‌ی قدردانی است.

شهر پترزبورگ در رمان "پترزبورگ"، هم‌زمان هم شرق است و هم غرب، نه این‌که فضای سرگردان بین شرق و غرب باشد، یعنی همه‌ی عالم است در ادبیت رِس بلی نخستین نویسنده‌ی است که جایگاه روسیه را از این دیدگاه مطرح می‌کند. بناط همین سبک است که امروزه رمان بلی شهرت و اهمیت جهانی روزافزونی پیدا کرده است.

و اما در خصوص سبک متعارف این رمان چه می‌توان گفت؟ به‌نظر می‌رسد که مهم‌ترین نکته در آن، تحقیق و تفحص پیگیر برای اجتناب از توسل به زبان متعارف است که بیشتر مشخص دبستان قرن نوزدهم روسیه است. مساعی دایمی بلی برای تأکید بر فاکتوژنیک و فاکتور زبان در رمان هم از همین سبک نشئت می‌گیرد. در یکی از نامه‌ها به آندری بلی خطاب به "و. ب. توماشوسکی"^۱ چنین می‌خوانیم: «زبان این رمان مشخص کرده‌ام؛ لکنّت زبانی یا کوتاه‌گویی و تفوق پیگیر هنری و ادبی این رمان خودساخته در رمان و نیز تفحص سکوت درونی یا مراقبه که مشکلاتم را به شما می‌آورد» کوتاه‌گویی موسی پیامبر را داریم و کوتاه‌گویی یک ابله را. زبان بلی در این پیامبرگونه است. نثر بلی، نثر سخنوری و نثر دم‌وستن^۲ است.

د. س. جف

۱. Boris Tomashevsky Demosthenes: ادبیات‌شناس، نویسنده، محقق آثار پوشکین.

تئوریسمین شعر، مترجم روسی.

۲. Demosthene: دولتمرد برجسته و سخنور توانا در یونان باستان، او لکنّت زبان داشت و برای رفع آن هنگام سخن گفتن دانه‌ی شن را در دهان می‌گرفت.

۳. Dmitry Likhachov: استاد زبان‌شناسی، فرهنگ‌شناسی و هنرشناس روسیه.